

هنری جیمز

آمریکایی

هنری جیمز (۱۸۴۳-۱۹۱۶) از بزرگترین نویسندهای امریکاست که به حق شناسی خواندنگاند. پدرش سر هنری جیمز فلسفی اخلاقی و مذهبی بود و پسرش ولیام جیمز روان‌شناس و از ملایمکه بر جسته برگزینیم. زندگی اولیه جیمز در امریکا آغاز شد در ۱۸۷۰ در پاریس سکوت گردید و در آنجا با تورگت، فلدو و دولا آشنا شد و آمریکا را می‌توشت. در ۱۸۷۹ آنقدر رفت و سال بعد رمان **ترجمه‌ی فرزانه شیخ** پیش آورد. آثار دیگری می‌دانند و اینکه هاست در ۱۹۱۵، چند سال قبل از مرگ،
تله‌کلیس شد و در ۱۹۱۶ در پاریس درگذشت.

لیاقت معتبر گردید. اشجار جیمز و امدادار تبریزی و تعلیل‌هایی را که در اینجا
واقع گردیدند، نظر پژوهیده و پالوده، بی‌طرفی در توصیف شده‌اند. پیش از این
ترکیی ذهن فهرماتاشی میرای بیان تحقیق‌های درگوئی لری پیش‌بینی
روزگاری‌ی با دشواری‌های زندگانی این انسان را در ۱۸۷۷ در ایالت
بریتانیا از ارشادی‌های حاکم و روایی‌ها و امریکایی‌ها تلقی کرد.
وکی سنت گرلز سر ساخته، ظاهر انتشارات نیاوره است و دیگر پیش‌بینی‌ی این ایالت
تسانیه‌ی قصه‌ی ریشه‌ی خوبه توگر است که در نهادت با راقیت کرد.



انتشارات نیاوره

پیش‌گفتار

هنری جیمز (۱۸۴۳-۱۹۱۶) از بزرگترین نویسنده‌گان امریکاست که به حق استادش خوانده‌اند. پدرش سر هنری جیمز فیلسفی اخلاقی و مذهبی بود و برادرش ویلیام جیمز روانشناس و از فلاسفه برجسته پراگماتیسم.

زندگی اولیه جیمز در امریکا گذشت. در ۱۸۷۵ در پاریس سکونت گزید و در آنجا با تورکنیف، فلوبیر و زولا آشنا شد و آمریکایی را نوشت. در ۱۸۷۶ به لندن رفت و سال بعد رمان مشهور دیزی میلر را به تحریر درآورد. آثار دیگرش میدان واشنگتن، تصویری یک بانو، پیچش آچار، بالهای قمری، سفیران، جام زرین و اروپایی‌هاست. در ۱۹۱۵، چند ماه قبل از مرگش، تیغه انگلیس شد و در ژانویه ۱۹۱۶ از سوی جرج پنجم به دریافت نشان لیاقت مفتخر گردید. اشتهرار جیمز و امدادار تجزیه و تحلیل‌های روانی واقع‌گرایانه، نظریه‌پیچیده و پالوده، بی‌طرفی در توصیف شخصیت‌ها و مطالعه در ژرفای ذهن قهرمانانش برای بیان کشمکش‌های درونی آن‌ها به هنگام رویارویی با دشواری‌های زندگی است. درونمایه بیشتر آثارش تقابل بین فرهنگ‌ها، ارزش‌های حاکم و شیوه زندگی اروپایی‌ها و آمریکایی‌هاست که یکی سنت‌گرا، سرسخت، ظاهرین و جاافتاده است و دیگری نوکیسه، ساده و نوگراست که در نهایت با واقعیت کنار می‌آید.

جیمز با نوشتن آمریکایی یک آمریکایی آرمانی می‌آفریند، تیپی که وطنش قابل شناسایی بود ولی در اروپا موضوعی ناشناخته برای کنجکاوی. آمریکایی، به یک مفهوم، برای اروپایی‌ها شخصیتی اساطیری بود از سرزمینی ناشناخته.

نام قهرمان جیمز، کریستوفر نیومن است که نام کوچکش به معلومات تاریخی اندکی برای شناسایی نیاز دارد و نام فامیلش خود به قدر بسنده گویاست: مرد جدید. طنز جیمز در این است که دموکراتی را از فضاهای باز و بی‌کران از آتلانتیک، نه برای کشف، که برای کشفی دوباره به خانه‌های سنگفرش و محصور و به پشت دیوارهای قطور و بلند به جستجوی آریستوکرات‌هایی می‌برد که خود را از دنیای عادی کنار کشیده و محبوس کرده‌اند. نیومن دموکراتی است که با سعی و کوشش خود بزرگ شده ولی فرصت فراگیری درس‌هایی از تمدن را نداشته و در خلأی تاریخی به بالندگی رسیده است.

به فصل یک هـ

در یکی از روزهای رخشندۀ ماه می ۱۸۶۸ آقایی، آسوده‌خاطر بر نیمکت گرد و بزرگی لم داده بود که آنوقتها قسمت مرکزی تالار کاره‌^۱ موزه لوور را اشغال می‌کرد. این نیمکت نرم و جادار را بعدها، با وجود تأسف عمیق عموم علاقه‌مندان سست‌پای هنرهای زیبا، به جای دیگر بردند، ولی آقای مذکور تعمیرین نقطه آن را تصاحب کرده بود، و با سر برگشته به عقب و پاهایی دراز شده به جلو، با لذتی سرشار به پرتره زیبای مریم موریلیو^۲ خیره شده بود. کلاهش را برداشته بود و دوربین و کتابچه راهنمای قرمز کوچک، در کنار او روی نیمکت قرار داشت.

روز گرمی بود و او که از پیاده‌روی عرق کرده بود، مدام دستمالی را با ملال بر پیشانی می‌کشید، با این وجود ظاهرًا مردی نمی‌نمود که خستگی با او سروکاری داشته باشد. باریک و بلند و عضلانی؛ وی احساسی را در انسان می‌دید که عموماً به عنوان «سرخستی» شناخته شده است. اغلب کارهای تلقی انجام داده بود که از گشتوگذار آرام امروزش در لوور، کمتر او را خسته کرده بود. با دقت کامل تمام تابلوهایی را دیده بود که به هریک از آن‌ها روی